

تأثیر حمله اسکندر بر
دریانوردی و تجارت
در خلیج فارس

بر اعلیٰ نجف زاده



سه جنگ گرانیک، ایسوس و کوکمل علی‌رغم تلاش‌های داریوش سوم به شکست پارسیان منجر شد، و با استیلای اسکندر بر یونان و امپراتوری هخامنشی عصری جدید با ویژگی‌های خاص در مشرق‌زمین آغاز شد. تاثیر فرهنگی این عصر تا قرن‌ها بر تمدن ایران مشخص بود. تسلط اسکندر بر نیمی از آسیا و تلاش برای گسترش فرهنگ هلنی از طریق مهاجرت یونانی‌ها و امتزاج با بومیان بر اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران تاثیری مستقیم داشت. دریانوردی و تجارت دریایی در خلیج فارس و شاهراه تجاری سواحل آن تا کناره‌های مدیترانه بی‌تاثیر از اقدامات فاتح مقدونی نبود، زیرا تسخیر امپراتوری هخامنشی و تصرف خزائن آشکار و پنهان، که در شهرهای بزرگ و مشهور نظیر بابل، شوش، تخت جمشید و هگمتانه، گنجینه‌های باارزشی از ملل باستانی در خود جمع کرده بودند، ثروت‌های راکد خزانه‌های شاهی را در اختیار فاتح جوان مقدونی و سربازانش قرار داد که نقشی اساسی در رونق تجارت ایران و یونان ایفا کرد.

فرار داریوش سوم به سوی ساتراپ‌های مشرق و مرگش در آن نواحی، بهانه‌ای برای لشکرکشی اسکندر به شرق و سپس فتوحات هندوستان شد. او در این لشکرکشی علی‌رغم وارد شدن صدمات فراوان و سنگین بر سپاهیان‌ش به نتایج چشمگیری دست یافت. عزیمت وی به شرق سبب تحولاتی عظیم در دریانوردی، بویژه در خلیج فارس شد. البته در قرن پیشتر در عصر شاهنشاه قدرتمند داریوش بزرگ، دریانوردی و تجارت دریایی رونق خاص گرفته بود. وی برای اتصال شرق و غرب امپراتوریش دستور حفر کانال سوئز را صادر کرد. دیگر اقدام مهم وی اعزام اسکیلاکس کارباندی جهت اکتشاف دریایی از خلیج فارس تا مصر بود^(۱). ولی در اواخر عصر هخامنشی با ضعف شاهنشاهان، دریانوردی و تجارت دریایی نیز از رونق افتاد و استیلای اسکندر و گسترش فرهنگ هلنی حرکتی برای پایان دادن به این رخوت طولانی بود.

برخوردهای اسکندر با پادشاهان محلی غرب هند، در مناطق صعب‌العبور کوهستانی مجاور شعب رودخانه بزرگ و پرآب سند، لشکرکشی دریایی علیه آنها را اجتناب‌ناپذیر کرده بود. علاوه بر اینگونه نبردها تفکر فلاسفه یونان که اسکندر نیز متأثر از آنها بود، بر دریانوردی شرق اثر می‌گذاشت. دریانوردی بر رودخانه بزرگ و پرآب سند که به اقیانوس می‌ریخت، عقیده رسیدن به آخر دنیا را نزد سپاهیان یونانی و مقدونی اسکندر قوت می‌بخشید. یونانی‌ها به

۱. بیرنیا، حسن: تاریخ ایران باستان، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۷۰، جلد دوم، ص ۱۹۲۳؛ جی.آ.بویل: تاریخ ایران (کمبریج)، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات

وجود دریایی در پایان جهان معتقد بودند و تصور رسیدن به انتهای دنیا و کسب این افتخار بزرگ تلاش‌های فاتح مقدونی را شدت داده بود و دریانوردی از رودخانه سند تا دریا به همین منظور صورت گرفت. وجود باور دریایی در انتهای دنیا و حس جاه‌طلبی اسکندر برای کسب و درج این افتخار در کارنامه اقداماتش، زمینه تحقیقات جغرافیایی و اکتشافات دریایی بیشتری را فراهم کرد که معلول خیالبافی‌های یونانیان و اسکندر بود. برای جامه عمل پوشاندن به این هدف بزرگ، ساخت بنادر و کارگاه‌های کشتی‌سازی در مناطقی از رودخانه سند که از موقعیت طبیعی خوب بندرگاهی برخوردار بود^(۱) در اولویت برنامه‌های اسکندر قرار گرفت. او همچنان که لشکرکشی و جنگ‌های پراکنده در غرب هندوستان را دنبال می‌کرد، چند بندر جهت ساخت، تجهیز و تعمیر ناوگان دریایی نوپایش بنیان نهاد که به اسکندریه‌های شرق امپراتوری اسکندر معروف شدند.

تسلط اسکندر بر امپراتوری وسیع متشکل از ملل مختلف ماهر و باتجربه در علوم و فنون گوناگون از جمله صنعت کشتی‌سازی، وی را قادر ساخت در دورترین بخش قلمروش با بهره‌گیری از دستاوردهای ملل تابعه، بویژه صنعتگران کشتی‌ساز، ناوگان بزرگ دریایی مهیا کند. وی در این زمینه از تجربیات ملل آشنا به امور دریانوردی نظیر فنیقی‌ها، اهالی قبرس و مصریان که به دنبال لشکر وی در حرکت بودند، بهره گرفت^(۲).

دریانوردان بومی منطقه راهنمایی تحقیقات اسکندر را بر عهده

۱. تاریخ ایران باستان، ص ۱۸۴۶ و ۱۸۳۴

۲. پیشین، ص ۱۸۱۹

داشتند و اسکندر خود با سپاهیان‌ش برای رسیدن به اقیانوس پیش رفت زیرا «می‌خواست بگوید او به آخر دنیا رسیده و در حالی که از شعف در پوست خود نمی‌گنجید به ملاحان می‌گفت: محکم‌تر پارو بزنید ما به آخر دنیا رسیده‌ایم و دیگر جنگی در پیش نداریم. بزودی ما تمام دنیا را تصرف خواهیم کرد»^(۱). ولی ناآشنایی یونانیان و مقدونی‌ها به اصول دریانوردی در اقیانوس و پایه واقعی نداشتن تفکراتشان آنها را در کسب افتخاری بزرگ برای جامعه هلنی به رهبری اسکندر با ناکامی مواجه ساخت. عدم شناخت کافی از وضعیت اقلیمی و شگفتی‌های دریا، که برای لشکریان اسکندر غیرقابل تصور می‌نمود، باعث عدم توفیق طرح جهانگیری فاتح مغرور مقدونی شد. اشتیاق کسب شهرت وجود فاتح جوان را فرا گرفته بود و سماجت وی در کسب این افتخار بزرگ وی را متوجه غرب جهان شناخته شده عصرش کرد. اسکندر پس از فتوحات هندوستان و عدم توفیق طرح جهانگیری به سوی غرب عزیمت کرد تا آن هدف را از سوی ستون‌های هرکول تکمیل نماید^(۲).

برای بازگشت به بخش مرکزی امپراتوریش باید راهی طولانی و دشوار طی می‌شد. این مسیر از دو طریق خشکی و دریا امکان‌پذیر بود. فاصله سند تا بین‌النهرین را دریای پهناور خطرناک ولی هیجان‌انگیز و صحاری بزرگ خوفناک و صعب‌العبور در بر گرفته بود. راه دریایی با وجود خطرات فراوان مورد استفاده ناوگان اسکندر قرار گرفت. زیرا از یک‌سو عبور از صحاری بی‌آب و علف بلوچستان تا کرمان مشکلات خاص خویش را به دنبال داشت و از سوی دیگر

۱. پیشین، ص ۱۸۴۸

۲. پیشین، ص ۱۸۶۸

کشتی‌های نوساخته ناوگان دریایی و علاقه به دریانوردی برای، تحقیقات در قلمرو ممالک مفتوحه جدید و شناسایی وضعیت بنادر و سواحل قلمرو تازه فتح شده، اجرای این مأموریت دریایی را تا حدی اجتناب‌ناپذیر کرده بود.

عدم آشنایی کافی در امور دریانوردی نظیر جزر و مد دریا، بادهای موسمی، حیوانات عظیم‌الجثه دریایی و طولانی بودن مسیر و مخاطرات ناشناخته که دامنگیر ناوگان اسکندر می‌شد از خطرات غیرقابل پیش‌بینی این سفر بزرگ محسوب می‌شد.

سفر اکتشافی به فرماندهی نئارخوس، از سرداران بزرگ و مورد اعتماد اسکندر که سمت امیرالبحری را به دست گرفته بود، آغاز شد. این عملیات نخستین لشکرکشی جهت اکتشافات دریایی قلمرو تحت تصرف اسکندر بود. چند سده قبل از آن مأموریت اسکیلاکس کارباندی از ناحیه سند با چنین هدفی صورت گرفت ولی داریوش کبیر وی را مأمور اکتشاف فاصله سند تا مصر کرده بود تا از طریق دورزدن سواحل شبه‌جزیره عربستان این مأموریت را به‌انجام برساند. مأموریت نئارخوس که در نوع خود بزرگترین هیأت اکتشاف دریایی برای شناسایی سواحل خلیج فارس تلقی می‌شد، با همکاری راهنمایان محلی گدروسیای^(۱) آشنابه وضعیت سواحل صورت گرفت. همکاری راهنمایان بومی با لشکر اسکندر می‌تواند یکی از دلایل وجود رابطه دریای هندوستان با شهرهای بزرگ منطقه رأس خلیج فارس قبل از مأموریت نئارخوس باشد.

۱. اولیری، درلیس ابوانز: انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران،

اسکندر برای توفیق در ماموریت دریایی از رب النوع دریاها طلب یاری کرد. وی در مجلسی که بدین منظور ترتیب داده بود در حالیکه دو گاو نر برای «نپتون» رب النوع دریاها قربانی کرد پس از می‌گساری با جام‌های زرین دو گاو نر را با جام‌ها به دریا افکند و چنین گفت: «ای خدای قادر دریانوردی، نه آرخ را در خلیج فارس تا مصب حمایت کن و او را سالم برگردان...»^(۱)

مقاومت ساحل‌نشینان از سرعت حرکت ناوگان نئارخوس می‌کاست و تنها راهپیمایی اسکندر و لشکریانش در نزدیکی ساحل و تدارک انبارهای غذا برای ناوگان، آنها را به ادامه این سفر پرخطر و در عین حال هیجان‌انگیز امیدوار می‌کرد. سفرنامه برجای مانده از نئارخوس جزئیات بیشتر را درباره اهداف، خطرات و چگونگی پیمودن مسیر اکتشاف در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

ماموریت نئارخوس با سی‌ودو سفینه بزرگ و چند کشتی کوچک مخصوص حمل آذوقه در حضور اسکندر آغاز شد. بجز ملاحان و پاروزنان و کارگران کشتی‌ها نفرات قشون بیش از دوهزار نفر بودند^(۲). آریان، مورخ یونانی، برخلاف نوشته نئارخوس، طبق روایت بطلمیوس تعداد کشتی‌ها را دوهزار نوشته است که از این تعداد هشتاد کشتی سی‌پارویی بودند^(۳). البته از آنجا که گفته آریان از یک سو اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد و از سوی دیگر نئارخوس خود مسئول این ماموریت بوده و اطلاعات دقیق‌تر و مستندتری ارائه می‌دهد، باید

۱. تاریخ ایران باستان، ص ۱۸۶۸

۲. نشأت، صادق: تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران، نشر کانون کتاب، ۱۳۷۴، ص ۴۳

۳. تاریخ ایران باستان، ص ۱۸۲۰

آمار کشتی‌ها با آمار تعداد نفرات قشون اشتباه شده باشد. نثارخوس در سفرنامه‌اش هدف این ماموریت را سیر ساحل دریا تا مصب و نقشه‌برداری مسیر از روی اطلاع و بصیرت بیان می‌کند که نشان‌دهنده اهداف درازمدت اسکندر در این‌گونه امور است. این سفرنامه اطلاعات گرانبهائی از وضعیت ساحل نشینان و شیوه زندگی آنها، تجارت دریایی و بنادر ارائه می‌کند. گزارش این سفر که در سواحل کرمان پس از اولین ملاقات وی با اسکندر به او تقدیم شد بر تفکر اسکندر در اجرای نقشه‌های اکتشافی خلیج فارس تأثیری مستقیم داشت. زیرا نقل آنچه که لشکریانش از دریا و سواحل دیده و شنیده بودند چنان اسکندر را مشعوف کرد که هوس دریانوردی تا مصب فرات را کرد^(۱).

گزارش از وضعیت بنادر بویژه بندری به نام دیری دوتیس از رونق تجارت دریایی مسیر هندوستان و عربستان با نواحی جنوب بین‌النهرین حکایت دارد. نثارخوس می‌نویسد: «در این آبادی تجار از سواحل عربستان و هندوستان عطریات و ادویه‌جات آورده. به بابل می‌برند،...»^(۲)

موفقیت نثارخوس در این ماموریت طرح‌های دریایی اسکندر را توسعه بخشید. بیشتر این طرح‌ها در جنوب بین‌النهرین و ساحل خلیج فارس، نزدیک پایتختش، تمرکز یافت. زیرا اکنون علاوه بر اهداف اکتشافی و سیاحتی جنبه لشکرکشی سرکوبگرانه نیز به خود گرفته بود. وظیفه نثارخوس قبل از عزیمت به شوش، امن و امان

۱. پلوتارک: حیات مردان نامی، ترجمه مهندس رضا مشایخی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر

۲. تاریخ سیاسی خلیج فارس، ص ۵۸

کتاب، ۱۳۴۶، جلد سوم، ص ۴۲۳

ساختن ولایات بحری، بازدید از ممالک و ولایات دور ساحل، تنبیه و مواخذه حکمرانان خاطی و وظیفه‌شناس ساحل بود^(۱)، که پس از عزیمت اسکندر به بابل آن را با موفقیت به انجام رساند و به بابل بازگشت.

انتخاب بابل به عنوان مرکز امپراتوری جهان بر اقدامات عمرانی توسعه‌طلبانه اسکندر تاثیرگذار بود. سرزمین بین‌النهرین کانون فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی خاور نزدیک بود که راه‌های بزرگ کاروانرو را از شرق به غرب متصل می‌کرد. اسکندر با استقرار در بابل خود را در مرکز امپراتوری بزرگش که از شمال افریقا و آنسوی یونان و مقدونیه تا سند کشیده شده بود، می‌یافت و این مرکز اداره امپراتوری را سهل‌تر می‌کرد، هر چند نظامیان یونانی و مقدونی از بازنگشتن به موطنشان دلگیر بودند، ولی اسکندر به طریقی آنان را راضی کرد. وی در این مرکز جدید بر دو دریای بزرگ دو سوی قلمروش، خلیج فارس و مدیترانه، نزدیک و مسلط بود و به راحتی از این طریق طرح‌های جهانگیری خویش را دنبال می‌کرد و از طریق تسلط بر راه‌های بزرگ تجاری حد فاصل این دو دریا، بر مبادلات بازرگانی ایران و بین‌النهرین با سواحل مدیترانه و یونان، که کلنی‌های آسیای صغیر و سوریه در آن مسیر قرار گرفته بودند نظارت می‌کرد و از تجارت دریای خلیج فارس نیز بهره می‌گرفت.

او برای نیل به اهداف خویش هیئت‌های پژوهشی برای اکتشاف سواحل جنوبی خلیج فارس گسیل داشت. گرچه در ورای این ماموریت اهداف مهم‌تری نهفته بود که مورخان به صورت واضح‌تر به

اهداف نظامی اشاره کرده‌اند. آریان تمام این تدارکات را بر ضد اعراب بیان می‌کند، با این بهانه که طوایف کثیرالعهده عرب یگانه مردمی بودند که هدایا برای اسکندر نفرستادند و نسبت به وی احترام به جا نیاوردند^(۱). این فتوحات جدید دست‌یابی به پایگاه‌های دریایی برای کلنی‌های جدید را جهت بهره‌گیری از ثروت‌های تجاری و دریایی و مناطق ساحلی فراهم می‌ساخت. «آرسیتوبول» نیز بر ساخت مستعمراتی در سواحل خلیج فارس و جزایر آن اشاره می‌کند که اسکندر تصور می‌کرد این مناطق از حیث ثروت با فینیقیه رقابت می‌کنند^(۲).

هیئت‌های اکتشافی ساحل جنوبی خلیج فارس که هنوز پرمخاطره و مهم تلقی می‌شد تا نیل به اهداف تعیین شده به کار خود ادامه داد و ارکیاس تا حوالی تبلوس پیش رفت، دومین سیاح حتی از اندرستن نیز جلوتر رفت. سومین سیاح به نام هیرون اهل سولی از آن دو نیز جلوتر رفت. نثارخوس که ماموریت سیاحت شبه جزیره عربستان را بر عهده داشت علی‌رغم تدارک مقدمات سفر با مرگ نابه‌هنگام اسکندر در سال ۳۲۳ قبل از میلاد مسیح از پیگیری ماموریتش باز ایستاد^(۳).

اقدامات عمرانی اسکندر در مدت کوتاه اقامتش در بین‌النهرین برای رونق دریانوردی و تجارت خلیج فارس قابل توجه است. وی پس از موفقیت سفر نثارخوس از سند به بین‌النهرین به ایجاد نیروی دریایی قدرتمندی در این بخش از امپراتوری نوپایش اقدام کرد و با

۱. تاریخ ایران باستان، ص ۱۹۲۰ ۲. پیشین

۳. ویلسن: خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶،

ساخت اسکندریه در مصب دجله ارتباط دریایی بین‌النهرین با هند را پی‌ریزی نمود^(۱). برای ترقی کشتی‌رانی ساحل خلیج فارس و رودخانه‌ای منتهی به آن در منطقه بین‌النهرین دست به اقدامات بزرگی زد. به تنظیم ولای رومی ترعه‌های متروکه بابل تا خلیج فارس مبادرت ورزید. فینیقی‌ها که برای ایجاد بحریه‌های قوی مفید بودند به کار گرفته شدند. آن‌ها برای ناورانی در رودخانه‌های منتهی به خلیج فارس و تجارت دریایی به بین‌النهرین منتقل شدند. قسمتی از بحریه سواحل فینیقیه را تجزیه و به تاپساک (در کنار فرات) آوردند و با ترکیب دوباره، آن‌ها را در فرات به کار گرفتند. آریستوبول درباره اقدامات اسکندر در این زمینه می‌نویسد: «به حکم وی سروهای زیادی در ایالت بابل انداخته سفاین ساختند و دستور داد در بابل بندری حفر کنند که بتواند هزار سفینه دراز در خود جا دهد و مامنی برای کشتی‌ها باشد»^(۲).

اسماعیل راثین در کتاب ارزشمند دریانوردی ایرانیان دوره اسکندر را، به‌خاطر تلاش‌های فراوان برای کشفیات دریایی و رونق دریانوردی و تجارت دریایی، عصر شناسایی دریایی نامگذاری کرده است^(۳). ولی این عصر با مرگ نابه‌هنگام فاتح مقدونی در ایامی که اوج اجرای طرح‌های بزرگ دریایی وی بود متوقف شد، زیرا با مرگش جنگ‌های جانشینی قدرت بر سر مرده‌ریگ فاتح جوان، اقداماتش را برای مدتی به فراموشی سپرد. چند دهه جنگ خونین برای کسب

1. *Encyclopaedia Britannica*, the university of chicago, 1971, volume 1, p.575

۲. تاریخ ایران باستان، ص ۱۹۲۰

۳. راثین، اسماعیل: دریانوردی ایرانیان، تهران، بی‌نا، ۲۵۳۶، جلد اول، ص ۲۲۰

قدرت بین سردارانش فرصت به دست آمده برای ادامه طرح‌های ناتمام او را از بین برد. در مجموع اقدامات اکتشافی اسکندر در خلیج فارس بزرگترین حرکت در تاریخ باستان جهت معرفی این مسیر تجارت جهانی محسوب می‌شد و زمینه را برای توجه بیشتر در دوره استیلای جانشینانش فراهم ساخت.

شناسایی دریای خلیج فارس، یونانیان را برای ایجاد پایگاه‌های نظامی و تجاری، متوجه جزایر نزدیک به ساحل کرد. با کوچ مهاجرین یونانی و مقدونی به این جزایر، کلنی‌هایی برای نظارت بر تجارت دریایی و سرکوب تحرکات مخالفان، در سواحل نزدیک به آن پی‌ریزی شد. کلنی‌های یونانی مروج فرهنگ هلنی در منطقه خلیج فارس شدند و اثر این نفوذ فرهنگ هلنی، در نامگذاری برخی مناطق به نام‌های یونانی در آثار مورخان این عصر قابل مشاهده است.

در مسیر جنوبی راه دریایی که از سواحل عربستان عبور می‌کرد، مهم‌ترین پایگاه دریایی به نام ایکاروس در جزیره فیلکه امروزی پایه‌ریزی شد. اختلاف نظر بین محققان بر سر نام ایکاروس در جزایر خلیج فارس با کشف حجر ایکاروس^(۱) در فیلکه پایان گرفت. اسکندر این نام را به یاد جزیره ایکاروس در دریای اژه بر این جزیره گذاشته بود^(۲). موقعیت استراتژیک مسلط بر راه دریای جنوبی سبب شد در عصر جانشینانش، که «جر» یا «گر» ما در ساحل جنوبی خلیج فارس رونق گرفته بود، به اوج شکوفائی و آبادانی خود برسد.

۱. اقتداری، احمد: آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان،

تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ ۲. تاریخ ایران باستان، ص ۱۹۲۰

جزیره خارک در مسیر شمالی به صورت پایگاهی شبیه ایکاروس بین راه رأس خلیج فارس و هند قرار داشت. کلود پتولمه جغرافی دان قرن دوم میلادی آن را به نام آراکنا یاد کرده و اسکندریه دانسته است. ولی مشخص نیست عنوان اسکندریه به وسیله دریانوردان بحریه اسکندر گذاشته شده است یا به سبب اینکه می بایست به صورت پایگاهی برای اکتشاف دریایی به کار گرفته شود^(۱).

با اقدامات اسکندر تجارت بین النهرین با سواحل مدیترانه و یونان ترقی فراوان کرد. مهم ترین عامل این ترقی یکپارچگی سیاسی و حذف موانع تجارت بین الملل با وحدت یونان و مقدونیه با پارس و قلمروهای سابق آن بود. اگرچه اقتصاد عصر اسکندر در مجموع بواسطه پیامدهای جنگ های طولانی چندان شکوفا و پررونق نبود، ولی اقدامات انجام شده در پی تسلط اسکندر بر امپراتوری هخامنشی نقشی مهم در توسعه تجارت شرق با غرب داشت. وی به پشتوانه مقادیر هنگفت ذخایر موجود در خزانه های هخامنشیان در شهرهای بزرگ نظیر بابل، شوش، تخت جمشید (براساس روایات دیودور تنها در شوش چهل هزار تالان شمش طلا و نقره و نه هزار تالان مسکوک طلا بدست اسکندر افتاد^(۲))، دست به اصلاح پول در سطح وسیع زد. رسمیت دادن واحد پول نقره در سراسر متصرفاتش به سهل تر شدن داد و ستد کمک کرد، زیرا وارد شدن شمش های گنجینه های راکد هخامنشیان به بازار تجارت و تبدیل شدن به مسکوکات، رشد مناسبات پولی - کالایی ایران و یونان را در پی داشت.

ورود بازرگانان یونانی و مقدونی به ایران، در پی لشکریان اسکندر، به امید کسب منافع تجاری و معاملات سودمند، به تجارت امپراتوری هخامنشی تحولی نو بخشید. این بازرگانان و دیگر گروه‌های یونانی همراه آنها با اسکان در شهرها و پادگان‌های نظامی موسوم به اسکندریه، که در سرتاسر امپراتوری از مصر تا ماوراءالنهر و از قفقاز تا سند پراکنده بودند، کلنی‌های یونانی را تکمیل تر کردند. اسکندریه‌ها، که در مناطق استراتژیک نظامی و بازرگانی واقع شده بودند، پشتیبانی جماعت یونانی و مقدونی ساکن در مجموعه را در مواقع بحرانی با خود داشتند و علاوه بر اینکه حلقه اتصال بازرگانی و فرهنگی با شهرهای یونان بودند؛ بویژه شهرهای مسیر ارتباطی بین‌النهرین تا دریای مدیترانه و یونان، مراکز ترویج فرهنگ هلنی در شرق نیز محسوب می‌شدند.

پلوتارک تعداد اسکندریه‌ها را که نقشی اساسی در ترویج فرهنگ هلنی و بازرگانی در قلمرو هخامنشیان داشتند، به رقم ۷۰ بیان کرده است^(۱) که کمی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد. این کلنی‌ها در ساحل خلیج فارس تمرکز بیشتری داشتند و باعث رونق تجارت دریایی با سواحل هندوستان و عربستان شدند.

هر چند نزاع‌های جانشین اسکندر شناسایی دریایی و دریانوردی خلیج فارس را با رکود مواجه ساخت، ولی با تثبیت قدرت سلوکیان در ایران به خاطر رقابت آنها با بطالسه مصر تجارت دریایی با هندوستان بیشتر مورد توجه قرار گرفت. همچنان که سلوکیان خلیج فارس را تحت کنترل خود داشتند، بطالسه نیز بر منتهی‌الیه دریای

سرخ مسلط بودند. رونق گرفتن تجارت در دریای سرخ به رکود تجارت در خلیج فارس منجر شد. زیرا اسکندریه مصر، پایتخت بطالسه، به دلیل موقعیت برتر جغرافیایی در ساحل دریای مدیترانه و نزدیکی به راه دریایی سرخ و راه‌های خشکی آسیا و آفریقا، به بزرگترین شهر دوره هلنیسم تبدیل شد، و جمعیت‌های عظیم یونانی و مقدونی از هر سو جذب اسکندریه مصر شدند. تدابیر سیاسی و فرهنگی بطالسه آن را به بزرگترین مرکز علمی، فرهنگی، سیاسی و تجاری در سده دوم قبل از میلاد مسیح مبدل ساخت.

سلوکی‌ها پس از مرگ آنتی‌گون به سواحل مدیترانه و راه دریایی ارتباط با یونان دست یافتند و برای حفظ موقعیت و ایجاد توازن قوا در سوریه و ساحل فینیقیه با بطالسه جنگ‌های سختی کردند. ضرورت حضور مستمر در صحنه‌های نزاع با بطالسه آنها را به بنیان‌گذاری چند شهر مهم در سوریه تشویق کرد. انطاکیه، به وسیله سلوکوس به نام پدرش آنتیوخوس، به عنوان پایتخت دوم در بخش غربی قلمروش برای رقابت با اسکندریه مصر و تسلط بر کلنی‌های یونانی‌نشین سوریه و آسیای صغیر پی‌ریزی شد و طی چند دهه به اوج شکوفایی خویش نزدیک شد. سلوکوس پس از تثبیت پایه‌های حکومتش در ایران، سیاست شهرسازی اسکندر را دنبال کرد و پس از وی بزرگترین شهرساز عصر هلنیسم بود. آپ‌پیان مورخ یونانی می‌نویسد که وی بیش از شصت شهر بنیان نهاد، از جمله شانزده شهر به نام انطاکیه، نه شهر موسوم به سلوکیه به نام خودش، پنج شهر به اسم لادیسر نام مادرش و دو شهر به نام آپام همسرش^(۱).

در میان شهرهای ساخت سلوکوس شهر سلوکیه بر کناره دجله و شهر انطاکیه سوریه به خاطر قرارگرفتن در موقعیت مناسب جغرافیایی و تجاری در تقابل قدرت‌گیری بطالسه مصر اهمیت بیشتری یافتند و از مشهورترین شهرهای عصر استیلای هلنیسم بر ایران بودند. علت اهمیت یافتن این دو شهر از رقابت بطالسه مصر با سلوکیان برای تسلط و کنترل بر راه بازرگانی هندوستان نشأت می‌گرفت. این راه سرچشمه جدیدی برای ثروت‌اندوزی شهرهای یونانی گشوده بود و بدین جهت برای تحکیم موقعیت و حفظ منافع اقتصادی خویش در صدد برقراری و رونق این راه تجاری در محدوده قلمرو خویش بودند.

سلاطین سلوکی، بویژه سلوکوس، در بهبود تجارت دریایی خلیج فارس از طریق رونق دادن بنادر جدید همت گماشتند. این بنادر در منتهی‌الیه خلیج فارس از تراکم بیشتری برخوردار بودند. در شوش الیمائیه سه سلوکیه شهرت بیشتری داشتند. سلوکیه در کنار اوله - کرفه، سلوکیه نزدیک تیسفون و سلوکیه در کنار خلیج فارس^(۱). در دیگر مناطق ساحلی نیز بندرسازی در جریان بود که به‌طور کلی سلوکیان در ساحل خلیج فارس بیش از نه شهر بنا کردند. انطاکیه پارس، از شهرهای مهم بندری ساحل شمال خلیج فارس، جانشین

۱. مشکور، محمدجواد - رجب‌نیا، مسعود: تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان، تهران، نشر دنیای کتاب، ۱۳۷۴، ص ۸۳. و. دیاکانوف: اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انجمن

شهر کهن عیلامی لیان (بوشهر امروزی) شد.^(۱)

بطالسه نیز در رقابت با سلوکیان برای رونق تجارت و دریانوردی در دریای سرخ به اقدامات مشابهی دست زدند و عصر سلوکی را می‌توان عصر رقابت خلیج فارس و دریای سرخ نام‌گذاری کرد. این رقابت تا زمانی که بازارهای غرب مشتاق مصرف کالاهای کم‌یاب و گرانبهای شرق بود، ادامه داشت. بطالسه به جای دریافت کالا از راه‌های خشکی کناره سواحل دریای سرخ و بین‌النهرین به مصر که به همت سلوکیان رونق گرفته بود متوجه دریانوردی در دریای سرخ شدند. راه کاروان‌رو فاصله بنادر خلیج فارس تا سواحل مدیترانه، از جرما که در این عصر رونق گرفته بود در انتقال کالاهای هند به قلمرو بطالسه نقش مهمی ایفاء می‌کرد. ولی بطالسه می‌خواستند با انتقال کالاها از بنادر یمن به مصر از تعداد واسطه‌های تجاری و افزایش بهای کالاها بکاهند و از این طریق ضربه اقتصادی سنگین بر شالوده اقتصاد سلوکیان وارد می‌شد.

با تلاش بطالسه برای کسب قدرت در رقابت تجاری و اقتصادی با سلوکیان، سیاست شهرسازی در دوسوی فاصله دریای سرخ و مدیترانه رونق گرفت. از سوی دیگر بطالسه کشفیات دریایی را نیز از نظر دور نداشتند. آنها شخصی به نام آریستول را مامور اکتشاف سواحل دریای احمر کردند. بدین ترتیب بطالسه سیاست اکتشاف دریایی اسکندر را پی گرفتند در حالی که سلوکی‌ها سیاست

۱. گیرشمن، رومن: ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و

شهرسازی وی را با جدیت دنبال کردند. بطالسه برای کسب قدرت رقابت با سلوکیان بنادری را در منتهی الیه مسیر دریای احمر پی ریزی کردند. بطلمیوس بندر آرسینوئه را در کناره احمر ساخت^(۱). سپس بندر برنیکه را که به وسیله جاده‌ای کاروانرو به گوپتاس، واقع بر نیل متصل می‌شد، تاسیس کردند. در شمال برنیکه نیز به سال ۲۴۷ شهر موراوس هورموس را که بندری مطمئن‌تر بود و فاصله کمتری با گوپتاس داشت، بنیان نهادند^(۲).

نزدیکی بندرهای دو دریای سرخ و مدیترانه قدرت مانور تجارت دریای بطالسه را در مقابل رقیبش سلوکی‌ها بالا برد. ولی مشکل دزدان دریایی که تجار مصری با آن مواجه بودند، از رونق تجارت دریای سرخ می‌کاست. بطلمیوس به خاطر اهمیت تجارت دریایی در سیاست‌های بطالسه، اورائوگیتس را با ناوگانی تازه تاسیس برای برانداختن دریازنان رهسپار دریا کرد^(۳). اینگونه اقدامات، دریانوردی و تجارت در دریای سرخ را در موقعیتی برتر از خلیج فارس قرار داد و روابط سیاسی برقرار شده با پادشاهان هند این برتری را تحکیم بخشید، زیرا این روابط سیاسی و تجاری در دوران جنگ بطالسه و سلوکیان می‌توانست تهدیدی سیاسی، نظامی و تجاری از سوی پادشاهان هند علیه یکی از طرفین نبرد تلقی شود.

فرستادگان بطلمیوس دوم و پادشاهان موریان، چاندراگوپتا و آشوکا، پیوسته در حال مسافرت بودند. زنان و گاووان و مرمهرای

۱. انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ص ۱۵۴

۲. پیشین

۳. پیشین

هندی که بطلمیوس در رژه‌های پیروزی در سال ۷۱-۲۷۰ نمایش داد شاید از طریق بنادر دریای سرخ انتقال یافته بودند^(۱). به‌طور کلی دلایل و مدارک نشان می‌دهد که بطالسه برای تقویت بنیه اقتصادی حکومت خود در برابر رقیب سرسختشان سلوکیان به پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه تجارت دریایی دست یافتند.

سلوکی‌ها علاوه بر ساخت شهرهای فراوان در کنار شاهراه بزرگ تجاری بین خلیج فارس تا دریای مدیترانه بیش از همه به تقویت شهرهای سلوکیه در کنار بابل و انطاکیه در سوریه همت گماشتند و پس از تثبیت حکومتشان برای رابطه با پادشاهان هند توجهی به شرق نشان دادند که فتح ممالک از دست رفته شرق از اهم برنامه‌هایشان بود ولی شکست سلوکوس در نبرد با چاندرراگوپتا به عقد اتحادی در مقابل واگذاری منطقه سند، قندهار و رنج شرقی انجامید^(۲) و فیل‌های هندی برای جنگ‌های غرب با بطالسه سوغات این لشکرکشی بود. این اتحاد حربه‌ای علیه اتحاد سلسله موریای با بطالسه محسوب می‌شد و اقامت مگاستن سفیر سلوکوس اول، نیکاتور در دربار سلاطین هند زمینه یک رابطه مطلوب سیاسی و اقتصادی را فراهم می‌ساخت.

سفر آنتیوخوس به هند در پایان سده سوم قبل از میلاد مسیح از

۱. حورانی: دریانوردی عرب در دریای هند، ترجمه دکتر محمد مقدم، تهران، کتابخانه

این سینا، ۱۳۳۸، ص ۲۹

۲. ویستهورف، یوزف: ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، انتشارات

ققنوس، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲

رخدادهای قابل توجه در سیاست خارجی سلوکیان محسوب می‌شود. پس از دیدار با پادشاه هند سوناگازنوس و بستن عهد مودت، یکی از بزرگترین لشکرکشی‌های خلیج فارس را به هدف رونق تجارت دریایی خلیج فارس بویژه سواحل شمالی و راس آن و ضربه زدن به منافع تجاری رقیبان بطالسه مصر، به انجام رساند. در این لشکرکشی تصرف جرما یا گرما در ساحل عربستان هدف اصلی وی بود. مورخان درباره چگونگی لشکرکشی به گرما اظهار نظری نکرده‌اند، ولی علل و پیامدهای آن از نکات مهم و در خور توجه است. در این لشکرکشی دریایی علاوه بر اهداف نظامی، منافع اقتصادی و تجاری زیادی نهفته بود. زیراپولی بیوس و اگاثارخیدس از مورخان قرن دوم قبل از میلاد به اهمیت تجاری و شهرت گرما مرکز عمده تجارت کناره عربستان تاکید می‌کنند^(۱).

گرما بر ساحل جنوبی خلیج فارس در گیرودار رقابت سیاسی، نظامی و اقتصادی بطالسه مصر با سلوکیان به قطب فعال تجاری تبدیل شد. موقعیت جغرافیایی گرما از هر جهت نسبت به دو دولت سلوکی و بطالسه به بازارهای خرید و فروش کالاها نزدیک‌تر بود و هنگامی که دولت‌های مذکور مشغول جنگ و نزاع بودند، تجار گرما فرصتی طلایی به دست می‌آوردند تا وساطت تجارت شهرهای بین‌النهرین و قلمرو سلوکیان با مرزهای مصر و فینیقیه را از یک سو و هندوستان را از سوی دیگر بر عهده گیرند. آنها علاوه بر راه دریایی خلیج فارس به عنوان مسیری مطمئن برای انتقال کالا به قلمرو

سلوکیان، از راه‌های کاروانرو شمال شبه‌جزیره عربستان نیز برای حمل کالاهایشان به مرزهای بطالسه سود می‌بردند. عدم توان رقابت بندرهای تازه تاسیس سلوکی با جرما خشم سلوکیان را برمی‌انگیخت و به تصمیم آنتیوخوس مبنی بر الحاق گرما به قلمروش انجامید تا از این طریق بار دیگر رونق تجارت دریایی را به سواحل شمالی خلیج فارس بازگرداند. باز هم شهر سلوکیه و انطاکیه بر سر راه تجارت خشکی به سوی مدیترانه قرار گرفت. الحاق گرما به قلمرو سلوکیان باعث رونق جزیره ایکاروس، پایگاه دریایی یونانی بر سر راه جنوبی خلیج فارس شد. احتمالاً "مسکوکات کشف شده در فیلکه با تصاویر آنتیوخوس سوم در جرما ضرب شده باشد که در مسیر تجاری جرما با شوش و فینیقیه در ایکاروس باقی مانده است."^(۱)

تلاش‌های سلوکیان برای رونق تجارت و دریانوردی خلیج فارس تا زمان تسلط آنها بر بین‌النهرین و سوریه نتیجه‌بخش بود، و نتیجه مثبت این تجارت یعنی راه ارتباطی بین‌النهرین به یونان را همچنان به صورت شاهراهی با اهمیت حفظ کرد. که کار جاده شاهی زمان داریوش بزرگ را انجام می‌داد و اکنون با کمی تغییر به سوی جنوب به سواحل شرق مدیترانه ختم می‌شد. همچنین ارتباط مستقیم شوش با شهرهای یونان برقرار شد. در کاوش‌های اخیر نیز کوزه‌های پیدا شده با مهر یونانی نشان می‌دهد که روغن، شراب و زیتون از یونان به شوش

فرستاده می شده است^(۱). این تجارت دوجانبه دنیای یونان را از محصولات باارزش هندوستان بهره‌مند می ساخت.

تسلط پارت‌ها بر بین‌النهرین ارتباط سلوکیان را با ساحل خلیج فارس قطع کرد و به تدریج شهر فاراگس به جای اسکندریه و سلوکیه نزدیک خلیج فارس رشد کرد و به یکی از مراکز بزرگ تجاری بین‌النهرین در عصر استیلای اشکانیان تبدیل شد. از سوی دیگر با شکست سلوکیان از روم و پیشروی آنها به آسیای صغیر، بازارهای یونانی از دست سلوکیان خارج شد و به تدریج نظارت بر شاهراه بزرگ تجارت دریایی و زمینی از دست یونانیان خارج شد. از این پس رومی‌ها پس از تصرف سوریه به دو منطقه ارمنستان و بین‌النهرین توجه خاصی داشتند و بین‌النهرین برای رسیدن به خلیج فارس و بازارها و کالاهای هند مورد توجه امپراتوران قدرتمند روم بود که سرانجام تراژان موفق شد به ساحل خلیج فارس برسد. ولی او نیز عقب‌نشینی کرد.

۱. چند خاورشناس فرانسوی: تمدن ایرانی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، بنگاه ترجمه و نشر